

دریاره بند هفت

در صحت مجاز، لازم نیست مجاز در محدوده علاقه های ۲۵ گانه مشهور باشد
بلکه اگر طبع بپسندد کافی است

کلام مرحوم
مروج

مراد ایشان اصل علاقه است و به علاقه های ۲۵ گانه اشاره نکرد.
ایشان می خواهد بگوید اگر هیچ علاقه ای نبود چگونه به مجاز قائل می شوید؟

علت اینکه ایشان می فرماید: «مؤید» ظاهراً آن است که :
بودن یا نبودن علاقه در یک مورد، امری نیست که مورد اتفاق همه باشد

ما می گوئیم

مقدمه

چهارم

اقوال در

مسأله

دریاره بند سوم

حقیقت لغوی یعنی : معنایی که قبل از اسلام از لفظ فهمیده می شده است
فرقی نمی کند که واضح آن، شرایع سابق بوده اند یا اعراب جاهلی

اما به دو شرط واضح این معانی شارع اسلام نیست :
۱. انتشار در جزیره العرب ۲. سرایت فرهنگ آنها به اعراب

پس اگر معانی بوده اما لفظ های فعلی برای آن نبوده است
یا اگر اصلا این معانی نبوده است، حقیقت شرعیہ پدید می آید

مقدمه

چهارم

اقوال در

مسأله

ما می گوئیم

دریاره بند سوم

آیات شریفه نمی تواند اثبات کند :
این الفاظ در شرایع سابقه در معنای شرعی بوده است

چراکه اگرچه در مسیحیت، نماز موجود بوده ولی لفظ آن «صلوة» نبوده
و اشاره قرآن به معنای آن است

اگر این الفاظ در قرآن به کار رفته به این خاطر است که این الفاظ در عرف
شریعت اسلامی مطرح بوده است (حقیقة أم مجازاً)

اشکال فرزند
مرحوم آخوند
بر ایشان

مقدمه
چهارم

اقوال در
مسأله

تکلم حضرت سلیمان بن داود علیه السلام به زبان های مختلف
عبادات را به الفاظ عربی ای که امروزه نزد ما متداول است می نامیده است

بلکه انبیاء دیگر هم چنین بوده اند

اشکال فرزند
مرحوم آخوند
بر ایشان

مراد از حقیقت شرعیہ آن نیست که واضع شارع باشد
و الا وضع تعینی را پدید آورنده حقیقت شرعیہ نمی دانستند

مراد از حقیقت شرعیہ :

یک لفظ در میان اعراب قبل از اسلام به معنای دیگری بوده و بعد از اسلام به
معنای جدید است

وضع سلیمان نبی ضرری به حقیقت شرعیہ بودن نمی زند

چراکه بالأخره وضع سلیمان بن داوود در اعراب پیش از اسلام یا اصلاً مطرح
نبوده و یا مهجور بوده است

الشاهد علی ذلک : اگر لغتی را شارع گفت، نمی دانیم آن لفظ را مطابق با فهم
عرف عرب، استعمال کرده و یا در معنایی که امروزه در شریعت مطرح است.

ما می گوئیم

مقدمه

چهارم

اقوال در

مسأله

در باره بند ششم

اگر مرادتان تبادر معنای نماز از لفظ صلوة است :

این تبادر مسلّم است ولی نمی تواند ثابت کند که در زمان شارع هم چنین بوده

تبادر فی زمان الشارع ثابت شدنی نیست مگر به کمک استصحاب قهقری

که آن هم معارض است با اصل عدم نقل

پس تبادر ثابت می کند حقیقت متشرعیه را و نه حقیقت شرعیه را

کلام مرحوم

مروج

مقدمه

چهارم

اقوال در
مسأله

این اشکال متعلق به صاحب معالم است

در بحث از تبادل، استصحاب قهقری را نپذیرفتیم

ما می گوئیم

درباره بند هشتم

نکته

اینکه صلوة در لغت عرب به معنای دعا بوده مورد اعتراض واقع شده است

صحت کلام آخوند در صورتی است که معنای عرفی صلوة، دعا باشد
در حالیکه تتبع می گوید معنای آن «عطف و میل» بوده است

استعمال صلوة در معنای نماز استعمال حقیقی است
چراکه نماز هم از مصادیق «عطف و میل» است
هم نماز توجه عبد است به رب ← به جهت خضوع او
و هم توجه رب است به عبد ← به جهت رحمت او

کلام مرحوم
اصفہانیمقدمه
چهارماقوال در
مسأله

این مطلب را ظاهراً مرحوم اصفهانی از مرحوم **شیخ هادی تهرانی** اخذ کرده است

این مطلب را ما ابتداءً در کلمات **مرحوم شبیر خاقانی** در المحاکمات دیدیم
و سپس به آن دو بزرگوار مراجعه کردیم

ما می گوئیم

حقیقت شرعیہ زمانی مطرح می شود که:

یا «معانی بدون این الفاظ» موجود بوده یعنی تسمیه شرعی
یا اصلاً معنا هم نبوده است یعنی ماهیات مخترعه

حق با مرحوم آخوند است

چون احتمال می دهیم که معانی و الفاظ همراه هم قبل از اسلام مطرح بوده باشد

کامل نبودن دلیل مرحوم آخوند:

اگر این احتمال را ندهیم، دلیل مرحوم آخوند کامل نیست

نتیجه: نتوانستیم ثابت کنیم الفاظ در لسان شارع برای معانی امروزی وضع شده

اگر قبل از اسلام وضع شده بوده ← پیامبر همان را استعمال کرده

اگر تا اسلام وضع نشده بوده، ← چه بسا پیامبر آنها را مجازاً استعمال کرده باشد

مقدمه

چهارم

جمع بندی

اشکالات

مرحوم آخوند

اقوال در

مسأله

مراجعه به کتاب و سنت موجب اطمینان می شود که از آغاز بعثت:
استعمال این الفاظ بدون قرینه لفظیه و حالیه در معانی شرعیہ می باشد

مثال هایی در این باره، هم در آیات مکی و هم در آیات مدنی وجود دارد

عدم وضع تعیینی به معنای تصریح به وضع
چراکه مسلمانان همه حرکات پیامبر را ضبط کرده اند و اگر بود نقل میشد

بعید بودن وضع تعیینی بالاستعمال
اصل این نوع وضع ممکن است این هم بعید است
ولی استبعاد نوع سابق در مورد این نوع مطرح نیست

کلام
حضرت امام

مقدمه
چهارم

اقوال در
مسأله